

راهبردهای کلی اقامه امر به معروف و  
نهی از منکر در جامعه اسلامی  
(ویرایش دوم)

کد موضوعی: ۲۷۰  
شماره مسلسل: ۱۰۴۹۶

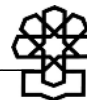
دفتر: مطالعات فرهنگی

دی ماه ۱۳۸۹

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۲.....	رویکردهای ممکن برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه
۹.....	نحوه تعیین شرایط، حدود و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر
۱۱.....	راهبردهای تدوین قانون امر به معروف و نهی از منکر
۱۳.....	جمع‌بندی
۱۵.....	پیوست‌ها
۲۳.....	منابع و مأخذ



## راهنمای کلی اقامه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی

### چکیده

امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین فرایض دینی است و لذا از مهمترین وظایف دولت و مردم در جامعه اسلامی به‌شمار می‌رود. از دو زاویه مختلف می‌توان به اقامه این فریضه نگریست. نخست از زاویه حکومت و اقدامات و امکانات مقدور برای او و دیگری از زاویه مردم و ظرفیت‌ها و توانایی‌هایشان. ما در این گزارش به راهبردهایی که حکومت در برابر اقامه امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند اتخاذ کند می‌پردازیم.

### مقدمه

اصل هشتم قانون اساسی در مورد امر به معروف و نهی از منکر چنین می‌گوید:  
در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر».

اینکه مسئله امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یکی از اصول قانون اساسی مطرح شده به‌دلیل آن است که امر به معروف و نهی از منکر در دین مبین اسلام جایگاهی مهم و رفیع دارد. در قرآن کریم آیات فراوانی بر این فریضه تأکید داشته‌اند و در روایات نیز تعبیری شگفت و عظیم برای امر به معروف و نهی از منکر به‌کار رفته است (پیوست ۱).

از این جهت طبیعی است که از ابتدای استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران تاکنون همیشه دغدغه، نگرانی و به‌تبع آن عزمی برای ترویج و تثبیت امر به معروف و نهی از منکر<sup>۱</sup> به‌عنوان یک فریضه دینی در فرهنگ عمومی و رفتار مردم، جاری و حاکم بوده است. لذا از نظام جمهوری

۱. به‌عنوان مثال می‌توان به فرمان امام خمینی در سال ۱۳۵۸ مبنی بر تشکیل سازمانی مستقل برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد. رک. «الزامات حقوقی و قانونی اجرایی شدن اصل هشتم قانون اساسی»، پاورقی ص ۴.



اسلامی به عنوان حکومتی که مجری احکام اسلام است، همیشه این انتظار وجود داشته است که برای ترویج و تثبیت این فریضه اقدامی کند. با این حال به زعم بسیاری، آن نگرانی و این انتظارات تاکنون به ثمر ننشسته است.

از این جهت بررسی اقدامات حکومت در این رابطه بسیار مهم است. قبل از بررسی اقدامات نظام جمهوری اسلامی ایران درباره امر به معروف و نهی از منکر باید دید رویکردهای ممکن درباره اقامه این فریضه کدامند و نظام کدامیک از این رویکردها را پیاده کرده و به چه نحو عملی ساخته است. ما در این گزارش به بررسی اجمالی رویکردهای ممکن درباره اقامه امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازیم و در ادامه آن، طرحی برای تدوین قانون امر به معروف و نهی از منکر ارائه می‌دهیم.

### رویکردهای ممکن برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه

به طور کلی برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه از دو زاویه می‌توان به مسئله نگرینست: زاویه حکومت و زاویه مردم. از زاویه اول به اقداماتی که حکومت دینی می‌تواند برای اقامه این فریضه انجام دهد توجه می‌شود و از زاویه دوم به اقداماتی که شهروندان جامعه اسلامی می‌توانند درپیش‌گیرند پرداخته می‌شود.<sup>۱</sup>

حکومت دینی برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر از دو رویکرد می‌تواند بهره ببرد:

۱. رویکرد حکومت به مثابه «مجری» امر به معروف و نهی از منکر،

۲. رویکرد حکومت به مثابه «تسهیل‌کننده» امر به معروف و نهی از منکر.

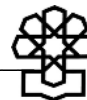
در ادامه به بررسی ویژگی‌ها و آسیب‌های احتمالی هر دو رویکرد می‌پردازیم:

#### ۱. حکومت به مثابه مجری

هرچند حکومت با وضع قوانین مناسب با شریعت و اجرای حدود و احکام دینی، درواقع در جایگاه آمر به معروف و ناهی از منکر قرار دارد، اما وقتی از حکومت به مثابه مجری امر به معروف و نهی از منکر سخن می‌گوییم، منظور آن است که حکومت در اجرای این فریضه، فارغ از ظرفیت‌های مردمی، چه اقداماتی را می‌تواند و باید انجام دهد.

رویکرد حکومت به مثابه مجری امر به معروف و نهی از منکر به دو گونه صورت می‌پذیرد:

۱. اقداماتی نظیر تشکیل گروه‌های مردمی و تشکل‌های مدنی، کانون‌های تبلیغات دینی، برگزاری راهپیمایی‌ها، تبلیغات چهره به چهره و... بدیهی است که در بسیاری مواقع اقدامات مردمی با اقدامات حکومتی تلاقی دارند و به همدیگر وابسته و پیوسته‌اند.



## ۱-۱. شیوه متمرکز

شیوه متمرکز بر تعریف خاصی از امر به معروف و نهی از منکر استوار است. در این شیوه، دولت و حکومت وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را از طریق ایجاد یک سازمان انجام می‌دهد. برای ذکر مثالی تاریخی از این مورد می‌توان به سازمان «دایره حسبه» در دوران خلفای عباسی اشاره کرد.<sup>۱</sup> در دوره معاصر نیز می‌توان «هیئت امر به معروف و نهی از منکر» عربستان<sup>۲</sup> را مثال زد. بسیاری از مواقع برای توجیه رویکرد متمرکز و ایجاد چنین سازمانی، به آیه شریفه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۳</sup> اشاره می‌شود. فارغ از تلقی‌های موجود از این آیه شریفه، باید به ویژگی‌های این شیوه و تناسب آن با وضعیت خاص سیاسی فرهنگی ایران معاصر توجه کرد.

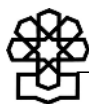
از ویژگی‌های این شیوه آن است که یک «سازمان حکومتی» به اجرای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد. سازمان بر مدار تخصص می‌چرخد و سرمایه حکومت اقتدار است. لذا یک سازمان حکومتی، تشکیلاتی است که:

- دارای نیروهای متخصص و آموزش‌دیده‌ای برای انجام وظایف محوله است.
- دارای مجوزهای قانونی لازم برای انجام وظایف است، لذا مشروعیت انجام وظیفه را در انحصار خود دارد.
- پشتوانه آن اقتدار حکومت است، لذا به سرمایه‌های مادی و معنوی مردم وابسته نیست.
- در چارچوب دستورالعمل‌ها و قوانینی که حکومت برای آن تعیین کرده عمل می‌کند.
- البته چنین ویژگی‌هایی برای سازمان امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان یک تشکیلات حکومتی مزایایی به‌دنبال دارد:
- چون سازمان دارای نیروهای متخصص آمر و ناهی است لاجرم از امر به معروف‌ها و نهی از منکرهای جاهلانه دیگران جلوگیری می‌شود.
- چون سازمان مشروعیت انحصاری دارد مانع اقدامات خودسرانه و غیرقانونی می‌شود.
- چون سازمان به اقتدار حکومت متصل است ضمانت اجرایی لازم برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر و تثبیت معروف‌ها و برچیده‌شدن منکرها فراهم می‌آید.
- اما به‌واسطه همین ویژگی‌هایی که گفته شد شیوه متمرکز در امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند آسیب‌هایی به این فریضه الهی وارد آورد.

۱. رک. مطهری مرتضی، ده گفتار، انتشارات صدرا به نقل از: [www.maroofyaran.com](http://www.maroofyaran.com)

۲. برای اطلاع بیشتر از این هیئت رک. پیوست ۲.

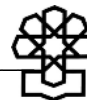
۳. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.



از آنجایی که سازمان حکومتی در چارچوب دستورالعمل‌های حکومت عمل می‌کند، بسیار محتمل است که در یک حکومت فاسد یا حکومتی که به لحاظ ساختاری امکان فساد در آن بالاست، سازمان امر به معروف و نهی از منکر به محلی برای پیش‌بردن اغراض شخصی و تضییع حقوق عمومی منجر شود. اتفاقی که به تدریج در تشکیلات دایره‌حسبه افتاد و آن را تبدیل به سازمانی تشریفاتی کرد که خود به خود منحل شد.

- از طرف دیگر چون پشتوانه چنان سازمانی اقتدار نظام حاکم است، اگر میان نظام حاکم و مردم درجه اعتماد متقابل بالایی وجود نداشته باشد، اقدامات سازمان صرفاً به حضور مناسکی معروف‌ها و حذف ظاهری منکرات در جامعه منجر می‌شود. بی‌اعتمادی میان مردم و نظام حاکم وقتی رخ می‌دهد که مردم میان ارزش‌های نظام مستقر و عملکرد حکومت تضاد و تناقض ببینند. در چنین وضعیتی نظام حاکم تبدیل به واعظ بی‌عملی خواهد شد که تناقض فعل و قول وی منجر به تشدید منکرات و تضعیف معروفات دستکم در لایه‌های پنهان جامعه خواهد شد و در نهایت به زوال ارزش‌های مستقر خواهد انجامید. چون مردمی که وعظ و اجبار حکومت را به شریعت می‌بینند شریعت‌گریزی و بی‌تقوایی حکومت را هم دیده‌اند و این می‌تواند به تضعیف باور عمومی به همان شریعت بیانجامد. لذا همان اقتداری که می‌تواند ضامن روی آوردن به نیکی‌ها و پرهیز از بدی‌ها شود می‌تواند تقویت‌کننده ریاکاری و تزویر گردد. گرچه نباید از یاد برد در نظامی که میان مردم و حاکم اعتماد متقابل بالایی وجود دارد و مردم اطمینان دارند که حاکمان خود قبل از همه به احکام شریعت پایبنداند، عملکرد تشکیلات ضمانت توفیق بیشتری خواهد یافت.

- چون در یک سازمان حکومتی مشروعیت امر به معروف و نهی از منکر در انحصار سازمان است اگر حکومت خود مشوق امر به معروف و نهی از منکر از سوی مردم نباشد و از نصیحت حاکمان استقبال نکند، امر به معروف و نهی از منکر که حق و وظیفه‌ای همگانی و متقابل نسبت به مردم و حکومت است، تبدیل به وظیفه‌ای نهادی و رسمی می‌شود که تنها از حکومت انتظار می‌رود. به عبارت دیگر در نظام‌هایی که ساختار و سیاق حکومت ضامن آزادی‌های مدنی و پذیرای نظارت و نقد عمومی نیست امر به معروف و نهی از منکر از واجبی که صلاح ملک و مملکت را تضمین می‌کند در بهترین حالت تبدیل به ابزاری برای حفظ انضباط رفتار ظاهری مردم خواهد شد. در این باره می‌توان به مورد هیئت امر به معروف و نهی از منکر عربستان اشاره کرد که به خاطر تلقیات انحرافی وهایی از دین و نیز ساختار پادشاهی حکومت عربستان این فریضه الهی را به ابزاری برای پیاده کردن ظاهری احکام شریعت در میان مردم کوچه و بازار آن هم در شهرها و موقعیت‌های خاص و محدود خلاصه کرده است و البته همیشه با نارضاایتی‌های فراوانی روبرو بوده است. در چنین وضعیتی امر به معروف و نهی از منکر از آن محتوای متعالی سیاسی، که رعیت را موظف به نصیحت



و نظارت حاکم می‌کند، خالی می‌شود و به وظیفه‌ای مشخص برای نهادی معین تقلیل می‌یابد. - یکی دیگر از آسیب‌های احتمالی سازمان حکومتی استفاده نابجا از اقتدار حکومت و توسعه خشونت علیه مردم است. وقتی عوامل سازمان از موضع اقتدار در استفاده از خشونت برای پیاده کردن نظم اجتماعی آزاد باشند، بسیار محتمل است که مأموران مغرض یا جاهل در مواردی دچار خشونت‌های ناموجه علیه مردم شوند. مسئله‌ای که در بسیاری از حکومت‌های دیروز و امروز شایع است. در چنین وضعیتی امر به معروف و نهی از منکر تداعی‌گر خشونت است و تهدیدی برای آزادی و امنیت اجتماعی تلقی خواهد شد. وضعیتی که در افکار عمومی کشور عربستان نسبت به عملکرد هیئت امر به معروف و نهی از منکر شاهدیم.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت توفیق شیوه متمرکز حکومتی به امر به معروف و نهی از منکر منوط به مواردی از این قبیل است: اعتماد بالای میان مردم و حکومت، ساختاری آزاد، نظارت‌دوست و نقدپذیر در حکومت و وجود حاکمان و کارگزارانی عادل و عامل در آن. در صورت فقدان یا ضعف هر کدام از این موارد به جرئت می‌توان گفت که شیوه متمرکز به تضعیف جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه منجر خواهد شد!

## ۲-۱. شیوه غیرمتمرکز

در توجیه شیوه غیرمتمرکز در اجرای امر به معروف و نهی از منکر به این مسئله اشاره می‌شود که حکومت دینی ذاتاً امر به معروف و ناهی از منکر است. در وضعیت پیچیده کنونی که هر جامعه و حکومتی با انواع مختلفی از مسائل روبرو است و برای هر مسئله و حوزه‌ای سازمان و قوانین ویژه‌ای وضع می‌کند، هیچ حوزه‌ای از مسائل عمومی نمی‌ماند که از نظارت و اداره حکومت خارج باشد. لذا آن وظیفه‌ای که حکومت دینی برای نظارت بر مردم و تذکر و ارشاد به آنان و تنبیه و مجازات مجرمان دارد، در دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف با روش‌های متنوعی انجام می‌شود از این جهت می‌توان گفت امر به معروف و نهی از منکر در حکومت دینی در دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف «پراکنده» است. به ازای هر معروف و هر منکری قانونی وجود دارد، هنجار و ضدهنجاری مشخص شده است و سازمانی خاص متکفل نظارت بر آن است. انواع هنجارها و جرائم معاملاتی، بهداشتی، محیط زیستی، حقوقی، اخلاقی و حتی عقیدتی از سوی نهادهای ویژه‌ای حمایت و بررسی می‌شود، این البته بخشی از وظیفه حکومت در قبال مردم است. اما نظارت حکومت بر خود نیز در دستگاه‌های مختلفی تعریف شده است؛ سازمان بازرسی کشور برای نظارت بر گردش مالی دستگاه‌ها، مجلس شورای اسلامی برای نظارت بر عملکرد دولت، هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری برای رسیدگی به تخلفات کارکنان هر سازمان، حراست یا کمیته‌های انضباطی و... از این جهت به نظر می‌رسد تشکیل سازمانی مجزا با عنوان امر به معروف و نهی از منکر کاری زائد و



بیهوده باشد و چه بسا موجب اخلال در روند اجرایی سایر نهادهای نظارتی باشد. گرچه شیوه غیرمتمرکز به درستی از وجود نهادهای گوناگونی خبر می‌دهد که از سوی حکومت بر رفتار مردم و دولت نظارت می‌کنند، اما اکتفا به همین دیدگاه برای آنکه مطمئن باشیم حکومت دینی وظایف خود را درقبال اقامه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه انجام داده است روا نیست. امر به معروف و نهی از منکر در رابطه مردم و حکومت، به ازای جایگاه امر و مأمور، اضلاع گوناگونی دارد که رویکرد غیرمتمرکز همه اضلاع آن را پوشش نمی‌دهد. امر به معروف و نهی از منکر وظیفه مردم نسبت به خودشان و همچنین نسبت به دولت نیز هست. رعایای جامعه دینی وظیفه دارند هم بر رفتار یکدیگر و هم بر رفتار حکومت نظارت، خطاها و کوتاهی‌ها را گوشزد کنند. از این جهت باید دید حکومت چه وظیفه‌ای در قبال این تکلیف مردمی دارد. آیا باید آنان را مجبور به انجام این تکلیف کند؟ این ممکن است؟ آیا باید مسئله را رها کند و تنها به وظایف نظارتی خود بپردازد؟ یا می‌تواند این رفتار مردمی را هدایت و راه امر به معروف و نهی از منکر را هموار سازد؟

از آنجایی که حکومت دینی علاوه بر وظیفه خود مبنی بر اداره معیشت، تأمین امنیت و اقامه قسط و عدالت، مکلف است تا شرایط را در حد مقدور برای شکل‌گیری و گسترش زیست مؤمنانه فراهم آورد، دستکم باید از موضعی هدایت‌گرانه و تسهیل‌کننده در جهت اقامه امر به معروف و نهی از منکر اقدام نماید.

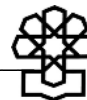
با توجه به مجموع مطالبی که گفته شد به نظر می‌رسد اتخاذ شیوه متمرکز امری بسیار حساس و مسیری پرخطر است و چندان مناسب اوضاع سیاسی و فرهنگی امروز ایران نیست. از سوی دیگر اکتفا به شیوه غیرمتمرکز و رهاکردن مسئله امر به معروف و نهی از منکر نیز با توجه به تکالیف حکومت دینی جایز نیست. لذا بهترین راهبرد اتخاذ موضعی غیرمتمرکز و ایجاد ساختاری هدایت‌گر و تسهیل‌کننده برای به جریان افتادن امر به معروف و نهی از منکر در میان آحاد جامعه است.

## ۲. حکومت به مثابه تسهیل‌گر

در بسیاری از مسائل اجتماعی، بهترین راهبرد آن است که حکومت به جای آنکه خود مستقیماً وارد حل مسئله شود، سعی کند از طریق فراهم آوردن زمینه‌هایی مسیر حل آن مسئله را تسهیل نماید. تسهیل‌گری حکومت از دو طریق رخ می‌دهد: ایجاد شرایط و زمینه‌ها و رفع موانع. از این منظر می‌توانیم بررسی کنیم درباره امر به معروف و نهی از منکر، این دو مرحله چگونه شکل می‌گیرند.

**ایجاد شرایط و زمینه‌ها:** اولین مرحله از تسهیل‌گری حکومت در هر حوزه رفتاری، ایجاد شرایطی برای به رسمیت شناختن رفتاری معین یا از رسمیت انداختن آن، در صورتی که حکومت از آن رفتار تلقی ضدهنجار دارد، است. در مورد امر به معروف و نهی از منکر اولین وظیفه





تسهیل‌گرانه حکومت در قبال آن به رسمیت شناختن این رفتار به‌عنوان یک رفتار ارزشی و یک هنجار ارتباطی است. این به رسمیت شناختن مستلزم آن است که حکومت این رفتار را به‌عنوان یک رفتار قانونی بشناسد. مثل اینکه امر به معروف و نهی از منکر دستکم از طرف حکومت به‌عنوان کنشی مداخله‌گرانه در حیطه رفتارهای دیگران تلقی نشود. در همین راستا می‌توان گفت اصل هشتم قانون اساسی سعی داشته است تا امر به معروف و نهی از منکر را به‌عنوان شیوه‌ای هنجارین و قانونی از تعامل اجتماعی معرفی کند.

مرحله دیگری از تسهیل‌گری حاکمیت، ایجاد زمینه‌ها و پیش‌نیازهای مورد نیاز برای گسترش و تثبیت هر حوزه رفتاری است. از جمله این پیش‌نیازها می‌توان به ارائه آموزش‌های لازم، ایجاد فضای تبلیغی روانی برای پذیرش رفتار و هماهنگی ساختارهای گوناگون حاکمیتی برای پذیرش و حمایت از عاملان به رفتار اشاره کرد. در بسیاری از مواقع برای استقرار چنین روندهایی بهترین گزینه ایجاد ساختاری است که سیاست‌های لازم را جهت آموزش، تبلیغ و هماهنگی میان دستگاه‌ها تصویب و ابلاغ نماید.

**رفع موانع:** در مسیر به تثبیت رسیدن امر به معروف و نهی از منکر در وضعیت کنونی، عمدتاً با سه چالش عمده مواجه هستیم. اولین چالش مربوط به رعایت حدود امر به معروف و نهی از منکر است. چنانچه امر به معروف و نهی از منکر از حدود و ضوابط اخلاقی خود خارج شود و امر و ناهی به بهانه امر به معروف و نهی از منکر از چارچوب‌های مشخص اخلاقی تخطی کند، امر به معروف تدریجاً به‌عنوان یک ضد‌هنجار و ضدارزش در جامعه در خواهد آمد. تجربه دهه‌های پس از انقلاب اسلامی این را به خوبی نشان می‌دهد که افراط‌ها و تفریط‌های صورت گرفته به بهانه امر به معروف و نهی از منکر، تصویری مخدوش و واژگون از آن ارائه داده است. به‌گونه‌ای که بخشی از روند تسهیل درباره امر به معروف و نهی از منکر اساساً باید در راستای اصلاح کردن تصور و تلقی عمومی نسبت به این فریضه صورت گیرد.

چالش یا مانع دوم، احتمال برخورد منفی با آمران و ناهیان است. درواقع در بسیاری اوقات، همین مانع است که باعث می‌شود بسیاری از مسلمین امر به معروف و نهی از منکر نکنند. ترس از عواقب احتمالی امر به معروف و نهی از منکر عزم آمران و ناهیان را سست می‌کند. لذا لازم است با ایجاد یک سیاست حمایتی جلوی تعرض به آمران و ناهیان گرفته شود. در این‌گونه مواقع می‌توان از یک «سیاست تبعیضی مثبت» بهره برد. بدین معنا که میان دو شهروندی که مورد تعرض واقع شده‌اند - که یکی در شرایط عادی و دیگری در جایگاه امر به معروف و ناهی از منکر قرار دارد - تفاوت قائل شد. چنین سیاستی می‌تواند به‌ویژه‌سازی حمایت از امر و ناهی یاری رساند و او را در انجام امر به معروف و نهی از منکر تشویق و ترغیب کند.



چالش یا مانع سوم مربوط به وضعیت‌هایی است که آمر و ناهی اساساً فرصت امر و نهی را پیدا نمی‌کنند. مثلاً یک نویسنده مطبوعات و یا یک سخنران و یا حتی یک تشکل مردمی ممکن است به دلیل لغو مجوز فعالیت یا محرومیت از قدرتی که به سخن و کلام او نفوذ می‌دهد، فرصت و توان نقد و تذکر را از دست بدهد. در واقع در کنار واکنش‌های منفی احتمالی در برابر امر به معروف و نهی از منکر که اقدامی پسینی به حساب می‌آید، باید از اقداماتی پیشینی نیز که مانع امر و نهی هستند جلوگیری شود.

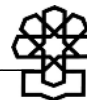
پس رفع موانع که مرحله آخر یک سیاست تسهیلی است درباره امر به معروف و نهی از منکر، شامل برخورد با سه نوع اقدام است: اقدامات غیرقانونی آمران و ناهیان، اقدامات متعرضانه نسبت به آمران و ناهیان، اقداماتی که زمینه‌های لازم برای امر به معروف و نهی از منکر را از میان برمی‌دارد.

اگر بپذیریم که حکومت وظیفه دارد رویکردی تسهیل‌گرانه نسبت به امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد، باید ببینیم این رویکرد تسهیل‌گرانه در عمل به چه راهبردهایی منتهی می‌گردد. اگر مجموعه راهبردهای ممکن را در ایجاد نهادهای سازمانی و اقدامات حقوقی خلاصه کنیم، در رویکرد تسهیل‌گرانه به امر به معروف و نهی از منکر می‌توانیم از دو نوع اقدام نام ببریم:

- ایجاد یک تشکیلات سازمانی که هماهنگ‌کننده میان ساختارهای دیگر باشد و بتواند سیاست‌های آموزشی، تبلیغی و حمایتی لازم را تصویب و به مدد جایگاه قانونی‌اش به همه نهادهای دیگر ابلاغ نماید. برای مثال در این زمینه می‌توان به ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد. اما مشکل این ستاد این است که اولاً فاقد جایگاه حقوقی و قانونی است - اساسنامه مصوب رهبری یا مجلس ندارد - و ثانیاً ابلاغیه‌های آن فاقد نفوذ لازم در بخش‌های دیگر نظام است. لذا برای تحقق اولین راهبرد تسهیل‌گرانه باید جایگاه قانونی ستاد تثبیت شود و در ضمن ارتقا یابد.<sup>۱</sup>

- تصویب و بازبینی قوانین؛ از این منظر باید در قوانین عمومی و کیفری بررسی‌ها و بازبینی‌های لازم صورت گیرد تا شرایط لازم برای قانونی کردن و رسمی‌سازی امر به معروف و نهی از منکر، حمایت از آمران و ناهیان و تعیین حدود عمل آنان فراهم آید. از میان دو اقدام مذکور، گزارش «الزامات حقوقی و قانونی اجرایی شدن اصل هشتم قانون اساسی» به شماره مسلسل ۱۰۳۱۹، به تفصیل درباره اقدام اول پرداخته است. در ادامه به توضیح بیشتر درباره اقدام دوم می‌پردازیم.

۱. برای اطلاع بیشتر از این مبحث رک: الزامات حقوقی و قانونی اجرایی شدن اصل هشتم قانون اساسی، مرکز پژوهش‌های مجلس.



## نحوه تعیین شرایط، حدود و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر

در مورد مسئله امر به معروف و نهی از منکر و تثبیت و ترویج آن در جامعه، اصل هشتم قانون اساسی درباره امر به معروف و نهی از منکر، به دو مسئله توجه دارد؛ اول اینکه امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده «مردم نسبت به یکدیگر، دولت به مردم و مردم نسبت به دولت» و دوم اینکه «شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون تعیین می‌کند».

با این وصف باید دید چگونه می‌توان «شرایط»، «حدود» و «کیفیت» امر به معروف و نهی از منکر را تعیین کرد. یک راه برای تعیین شرایط و حدود، توجه به اجزا و اضلاع امر به معروف و نهی از منکر است. به عبارتی اگر بتوان برای امر به معروف و نهی از منکر، اجزا و حدودی در نظر گرفت، با توجه به هر جز یا ضلع، می‌توان به قانونی درباره امر به معروف و نهی از منکر دست یافت.

راه دیگر برای آنکه بتوان امر به معروف و نهی از منکر را به اجزای کوچک‌تری تبدیل کرد، آن است که امر به معروف و نهی از منکر را نوعی تعامل اجتماعی<sup>۱</sup> بدانیم و این نوع تعامل مانند همه انواع دیگر تعامل اجتماعی، می‌تواند شامل قواعد و اصولی باشد که هم مورد بحث فقهی قرار گیرند و هم مشمول حدود قانونی شوند.

حال می‌توان پرسید که اگر امر به معروف و نهی از منکر یک شیوه تعامل اجتماعی است، چگونه می‌توان برای آن حدود قانونی تعریف کرد. به عبارتی دیگر در اینجا منطق قانونگذاری باید بر چه اساسی استوار باشد.

توجه به امر به معروف و نهی از منکر به مثابه یک تعامل اجتماعی راه‌حلی را پیش روی ما می‌گذارد. چون می‌توان تعامل اجتماعی را به اجزایی نوعی تجزیه کرد و از همین منطق تجزیه برای خرد کردن فرآیند امر به معروف و نهی از منکر بهره برد.

هر تعامل اجتماعی چهار جز دارد. مجری رابطه، محتوای رابطه، موضوع رابطه، مخاطب رابطه.

اگر امر به معروف و نهی از منکر را هم تعامل اجتماعی بدانیم، به این تفکیک می‌رسیم:

آمر و ناهی      امر و نهی      مأمور به و منهی‌عنه      مأمور و منهی

اگر فرآیند امر به معروف و نهی از منکر بخواهد در چارچوبی حقوقی مقید گردد، باید برای

۱. «اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن شود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است و بعضی‌ها دیگر در نمی‌آیند بگویند «آقا! این فضولی کردن است!» نه، این همکاری کردن است. این نظارت عمومی است؛ این کمک به شیوع خیر است؛ این کمک به محدود کردن بدی و شر است؛ کمک به این است که در جامعه اسلامی گناه، گناه بماند. بدترین خطرها این است که یک روز در جامعه، گناه به عنوان صواب معرفی بشود...». از سخنان مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۹/۲۵.



چهار جزء این تعامل با توجه به اقتضائات، شرایط، موقعیت‌ها و زمینه‌های احتمالی، قوانینی تعیینی و پیش‌بینی شود. هر کدام از این اجزا می‌توانند دارای حقوق یا شرایط مخصوص به خود باشند و در واقع، همان‌طور که قانون اساسی مقرر کرده است، قانون امر به معروف و نهی از منکر باید این حقوق و شرایط را تعیین کند. قبل از آنکه به بررسی شرایط قانونی اجزای امر به معروف و نهی از منکر بپردازیم، به اختصار به رویکرد فقه در این فریضه توجه می‌کنیم:

آنچه که در فقه شیعه به‌عنوان شرایط امر به معروف و نهی از منکر آمده است از این قرار است:

- امر و ناهی به معروف و منکر از دیدگاه شرع مقدس آگاهی داشته باشد.

- امر و ناهی احتمال بدهد که امر و نهی او تأثیر می‌کند.

- بداند که گنهکار بنای تکرار گناه را دارد.

- بداند که در امر و نهی، مفسده (= ضرر مالی و عرضی بر خود یا بر مؤمنین) وجود ندارد.<sup>۱</sup>

همان‌طور که دیده می‌شود، مجموع این شرایط اجزای مختلف امر به معروف و نهی از منکر به مثابه تعامل اجتماعی را شامل نمی‌شود و بیشتر بر امر نظر دارد تا بر مأمور و مأموربه. از سوی دیگر این شرایط از سنخ شرایطی نیستند که قانون بتواند درباره تحصیل یا عدم تحصیل آنها حکم کند. زیرا تحصیل آنها کاملاً درونی و ذهنی است و جنبه عینی و اجتماعی ندارد. در واقع شرایطی که فقه عرضه می‌دارد، نه الزام آورند، نه وضوح دارند و نه مفید قطعیت هستند.<sup>۲</sup> از این جهت تحصیل آنها در یک دادگاه علنی و عادلانه قابل اثبات نیست.

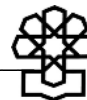
اینکه شرایطی که فقه تعیین می‌کند نمی‌تواند به مثابه یک قانون اجتماعی وضع گردد، به این دلیل است که فقه در این مورد به فرد عامل نظر دارد و می‌خواهد شرایطی که برای او در برابر امر الهی، تکلیف می‌آورد را مشخص کند. در واقع فقه در اینجا نمی‌خواهد قانونی مناسب حکومت و در شان آن وضع کند. قاعده‌ای که فقه درباره امر به معروف و نهی از منکر مشخص می‌کند تنها در دادگاه الهی یا وجدان درونی فرد قابل حصول و اثبات است نه در یک دادگاه بشری و عادی.

با این حال برای رسیدن به شرایطی قانونی و حقوقی برای امر به معروف و نهی از منکر، باید از همین شرایطی که فقه در بخش‌های مختلف مشخص کرده است استفاده کرد، زیرا قانون مزبور برای یک کشور اسلامی و یک حکومت دینی تدوین می‌شود.

از این منظر این پرسش قابل طرح است که قانون امر به معروف و نهی از منکر، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد. یعنی قانون امر به معروف و نهی از منکر باید از چه خصوصیات برخوردار باشد

۱. آیت‌الله حسین نوری همدانی، امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.

۲. در این مورد رجوع کنید به: محمد راسخ، ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، فصلنامه پژوهشی مجلس و پژوهش، ش ۵۹، بهار ۱۳۸۴.



تا به اجرای حکم الهی و آن رفتاری که فقه آن را تکلیف آحاد مؤمنین می‌داند یاری رساند؟ با توجه به نکاتی که در توضیح رویکرد تسهیلی به امر به معروف و نهی از منکر ذکر شد، در برابر این پرسش می‌توان پاسخ‌های ذیل را برشمرد:

- قانون امر به معروف و نهی از منکر باید حدود امر به معروف و نهی از منکر را تعیین کند. همان چیزی که در اصل هشتم قانون اساسی به آن اشاره شده است. تعیین حدود امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند معانی متعددی داشته باشد. یک معنای آن این است که تفاوت آن با سایر رفتارها و شیوه‌های تعامل معلوم باشد. مثلاً تفاوت امر به معروف با آموزش و تمایز نهی از منکر با مجازات. از این منظر قانون مزبور باید مرزهای امر به معروف و نهی از منکر را برای آمر و مأمور شفاف و واضح کند. معنای دیگر «تحدید» آن است که حدود عمل آمر و ناهی یا مأمور و منهی در قانون مشخص شود.

- قانون امر به معروف و نهی از منکر باید به اندازه مقدور انعطاف و عمومیت داشته باشد، زیرا امر به معروف و نهی از منکر در عین اینکه دارای مرزهایی با سایر شیوه‌های تعامل اجتماعی است، گستردگی بسیاری دارد. هم مصادیق معروف و منکر فراوان و گسترده‌اند و هم آمر و ناهی یا مأمور و منهی می‌توانند بر حسب جایگاه، منزلت اجتماعی و موقعیت خود، شرایط مختلفی داشته باشند. لذا قانون مذکور باید در حدی انعطاف داشته باشد که بتواند همه این گستردگی و تنوع را شامل شود.

- قانون امر به معروف و نهی از منکر، مانند همه قوانین دیگر باید واضح و مفید قطعیت باشد، تا مانع سوءفهم‌ها، تفسیر به رأی‌ها و خودسری‌ها در اجرای قانون گردد.

- قانون امر به معروف و نهی از منکر باید موانع را از برابر این فریضه بردارد: اگر اجرای امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک فریضه الهی، نیاز جامعه مؤمنین است، قانون از آنجایی که باید پاسخگوی نیاز جامعه باشد، باید اقداماتی را در جهت «تقویت» امر به معروف و نهی از منکر پیش‌بینی کند.

### راهبردهای تدوین قانون امر به معروف و نهی از منکر

با توجه به ویژگی‌های فوق می‌توان به مجموعه‌ای از راهبردها برای تدوین قانون امر به معروف و نهی از منکر دست یافت.

۱. **تحدید:** از یک سو ممکن است به بهانه امر به معروف و نهی از منکر، به حقوق اشخاص تجاوز شود، لذا قانون باید با تعیین حدود و ثغور فرآیند امر به معروف و نهی از منکر مانع سوءاستفاده



احتمالی آمر و ناهی گردد و در نتیجه از حقوق مأمور و منهی حفاظت کند. از سوی دیگر مصادیق معروف و منکر بسیار گسترده و سیال هستند، لذا قانون با ایجاد حدود و شرایط، زمینه‌ای جهت تعیین مصادیق فراهم آورد. جنبه دیگر تحدید امر به معروف و نهی از منکر، تعریف و تعیین حدود و شرایط مأمور به و منهی عنه است. از این منظر باید دید معروف و منکر شرعی یا قانونی باید در چه شرایطی قرار گیرند که مصداق مأمور به و منهی عنه شوند. مثلاً تنها در صورتی که منکر علنی باشد، می‌توان در مورد نهی از آن، در قانون سخن گفت.

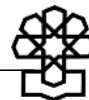
۲. **انعطاف و عمومیت:** به علت سیالیت فرهنگ جوامع و تغییر ارزش‌های عرفی آنها در طول زمان، ضروری است که قانون از انعطاف برخوردار باشد. برای انعطاف و عمومیت کافی، باید معروف و منکر به گونه‌ای و با شرایطی تعریف شود که موارد گوناگون و متنوع شرعی و قانونی را شامل گردد و در ضمن نسبت به تغییرات حقوقی و یا احکام جدید شرعی منعطف و پذیرا باشد.

۳. **وضوح و قطعیت:** عدم وضوح و ابهام یکی از عوامل اصلی تفسیر به رأی و انجام اعمال خودسرانه در اجرای قانون است. برای جلوگیری از این امر، قانون امر به معروف و نهی از منکر در عین حالی که شمولیت، عمومیت و انعطاف کافی را دارد، باید به گونه‌ای حدود و ثغور و تعاریف را واضح و مشخص سازد، تا بستر تفسیرهای متنوع و متضاد قرار نگیرد.

۴. **تقویت:** امر به معروف و نهی از منکر، نوعی تذکر و نقد است و طبیعتاً می‌تواند در مخاطب، نحوه‌ای مقاومت و احتمالاً پاسخ و برخورد متقابل را برانگیزاند. پس مهمترین راهبرد قانون امر به معروف و نهی از منکر در این حوزه، محدود کردن مقاومت و پیشگیری از برخورد «مأمور و منهی» برای «حفاظت و صیانت از آمر و ناهی» است. این حفاظت و صیانت از امر و ناهی می‌تواند به تسهیل امر به معروف و نهی از منکر یاری رساند. آن‌گاه که آمر و ناهی نسبت به تبعات احتمالی امر و نهی احساس مصونیت کند، رغبت بیشتری برای آن می‌یابد.

جدول زیر مجموع راهبردهای لازم برای تهیه قانون امر به معروف و نهی از منکر را در هر یک

از اجزای امر به معروف و نهی از منکر نشان می‌دهد.



## جدول. راهبردهای قانون امر به معروف و نهی از منکر برحسب اجزای مختلف آن

وضوح و قطعیت	انعطاف و عمومیت	تحدید	تقویت	راهبردهای قانون اجزای مختلف امر به معروف و نهی از منکر
تعریف دقیق امر و نهی و تمایز آنها از آموزش و مجازت		محدود ماندن امر و نهی به تذکر گفتاری یا نوشتاری		امر و نهی
واگذاری تشخیص مصادیق معروف و منکر به مرجع قانونی	تعریف معروف و منکر به گونه‌ای که شامل انواع گسترده و متنوع تخلفات و الزمات از منظر شرع و قانون شود	محدود کردن مأمور به و منهی‌عنه به معروف و منکر علنی یا دارای تبعات اجتماعی	تعریف روشن و دقیق از معروف و منکر	مأمور به و منهی‌عنه
		محدود کردن دامنه عمل آمر و ناهی برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی	صیانت و حفاظت از آمر و ناهی از تبعات احتمالی امر و نهی	آمر و ناهی
		حفاظت و صیانت از مأمور و منهی در برابر آمر و ناهی	محدود کردن واکنش احتمالی مأمور و منهی علیه آمر و ناهی	مأمور و منهی

با توجه به این راهبردهاست که قانون امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند تدوین شود و این راهبردها می‌توانند مبنای مناسبی برای ارزیابی طرح قانونی ارائه شده که یک فوریت آن در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۹/۳/۲ به تصویب رسیده است، باشد.

## جمع بندی

حکومت دینی برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر از دو رویکرد می‌تواند بهره ببرد:

۱. رویکرد حکومت به مثابه «مجری» امر به معروف و نهی از منکر،

۲. رویکرد حکومت به مثابه «تسهیل‌گر» برای امر به معروف و نهی از منکر.

حکومت در رویکرد اول صرفاً از ظرفیت‌های خود استفاده می‌کند و توجهی به ظرفیت‌های

مردمی ندارد. رویکرد حکومت به مثابه مجری به دو شیوه اجرا می‌شود:



- متمرکز،

- غیرمتمرکز.

اتخاذ شیوه متمرکز تبعات و پیامدهای احتمالی فراوانی در پی دارد. اکتفا به شیوه غیرمتمرکز نیز با تکالیف و وظایف حکومتی دینی در تعارض است. پس بهترین راهبرد، اتخاذ رویکرد تسهیل‌گرانه برای فعال کردن ظرفیت‌های مردمی در اقامه امر به معروف و نهی از منکر است.

از این منظر به‌طور کلی دو اقدام می‌توان انجام داد:

• ایجاد یک ساختار سیاستگذار و هماهنگ‌کننده برای تجمیع و هدایت امکانات و اقدامات حکومت.

• تدوین قانونی برای امر به معروف و نهی از منکر که هم زمینه‌ها و شرایط لازم برای اقامه این فریضه را فراهم آورد و هم موانع موجود یا ممکن را از سر راه بر دارد.

چنین قانونی باید چهار راهبرد اساسی را در پیش گیرد:

الف) تحدید حدود امر به معروف و نهی از منکر،

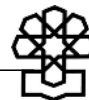
ب) انعطاف در پیش‌بینی مصادیق معروف و منکر و عمومیت نسبت به اشکال مختلف امر و نهی،

ج) وضوح و قطعیت در تعیین مرزهای امر و نهی و تعیین مصادیق معروف و منکر،

د) تقویت جایگاه امر و ناهی.

این چهار راهبرد اصلی در تدوین قانون امر به معروف و نهی از منکر مبنای مناسبی برای اظهار نظر و ارزیابی درخصوص طرح پیشنهادی نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای امر به معروف و نهی از منکر، فراهم می‌آورند.





## پیوست‌ها

## پیوست ۱

به بخشی از آیات قرآن در این باره اشاره می‌کنیم:

يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ  
(لقمان: ۱۷)

ای پسرک من نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکبیا باش این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است.  
الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ  
الْأُمُورِ (الحج: ۴۱)

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.  
وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ  
وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (توبه: ۷۱)

و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است.  
وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ  
(آل عمران: ۱۰۴)

و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند.  
كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ  
الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (آل عمران: ۱۱۰)

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود برخی از آنان مؤمنند و [لی] بیشترشان نافرمانند.

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ  
مِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران: ۱۱۴)

به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند و در



کارهای نیک شتاب می‌کنند و آنان از شایستگانند.

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (توبه: ۱۱۲)

[آن مؤمنان] همان توبه‌کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه‌داران رکوع‌کنندگان سجده‌کنندگان و ادارندگان به کارهای پسندیده بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند و مؤمنان را بشارت ده.

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (اعراف: ۱۵۷)<sup>۱</sup>

همانان که از این فرستاده پیامبر درس‌نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند.

در ادامه به بخشی از احادیثی در این رابطه اشاره می‌کنیم:

قال علی علیه السلام:

وَمَأْ عَمَالِ الْبِرِّ كُلِّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَفْتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ؛

همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره‌ای است در دریای عمیق (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

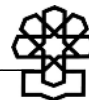
امام علی علیه السلام:

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يُقَرَّبَانِ مِنْ أَجْلِ وَلَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ، لَكِنْ يُضَاعِفَانِ الثَّوَابَ وَيُعْظِمَانِ الْأَجْرَ وَأَفْضَلُ مِنْهُمَا كَلِمَةٌ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ؛

امر به معروف و نهی از منکر نه اجلی را نزدیک می‌کنند و نه از روزی کم می‌نمایند، بلکه ثواب را دو چندان و پاداش را بزرگ می‌سازند و برتر از امر به معروف و نهی از منکر سخن عادلانه‌ای است نزد حاکمی ستمگر (غررالحکم، ج ۲، ص ۶۱۱، ح ۳۶۴۸).

قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، نرم افزار پارسی قرآن.



إِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِمَعْرُوفٍ وَلَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي ، سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ ، فَيَدْعُوا عِنْدَ ذَلِكَ خِيَارَهُمْ فَلَا تُسْتَجَابُ لَهُمْ؛

هرگاه (مردم) امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از نیکان خاندان من پیروی ننمایند، خداوند بدانشان را بر آنان مسلط گرداند و نیکانشان دعا کنند اما دعایشان مستجاب نشود (امالی صدوق، ص ۲۵۴).

قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

لَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا مَنْ كَانَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: رَفِيقٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ رَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى عَنْهُ ، عَدْلٌ فِيمَا يَأْمُرُ بِهِ عَدْلٌ فِيمَا يَنْهَى عَنْهُ ، عَالِمٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ عَالِمٌ بِمَا يَنْهَى عَنْهُ؛

امر به معروف و نهی از منکر نکند مگر کسی که سه خصلت در او باشد: در امر و نهی خود مدارا کند، در امر و نهی خود میانه روی نماید و به آنچه امر و نهی می کند، دانا باشد (بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۸۷، ح ۶۴).

قال على عليه السلام:

مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ الْمُؤْمِنِ وَمَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْفَ الْمُنَافِقِ وَأَمِنَ كَيْدَهُ؛

هر کس امر به معروف کند به مؤمن نیرو می بخشد و هر کس نهی از منکر نماید بینی منافق را به خاک مالیده و از مکر او در امان می ماند (کافی، ج ۲، ص ۵۰، ح ۱).

قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

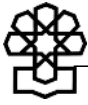
لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ، وَ سَلَّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ؛

تا زمانی که مردم امر به معروف و نهی از منکر نمایند و در کارهای نیک و تقوا به یاری یکدیگر بشتابند در خیر و سعادت خواهند بود، اما اگر چنین نکنند، برکتها از آنان گرفته شود و گروهی بر گروه دیگر سلطه پیدا کنند و نه در زمین یاوری دارند و نه در آسمان (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۱، ح ۲۲).

قال الباقر عليه السلام:

أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ إِنِّي مُعَذِّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ: أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ وَسِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ: يَارَبِّ هَؤُلَاءِ الشَّرَارُ فَمَا بَالُ الْخِيَارِ؟! فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ: دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي فَلَمْ يَغْضَبُوا لِغَضَبِي؛

خدای تعالی به شعیب پیامبر وحی فرمود که: من صد هزار نفر از قوم تو را عذاب خواهم کرد: چهل هزار نفر بدکار را، شصت هزار نفر از نیکانشان را. شعیب عرض کرد: پروردگارا! بدکاران سزاوارند اما نیکان چرا؟ خدای عزوجل به او وحی فرمود که: آنان با گنهکاران راه آمدند و به خاطر خشم من به خشم نیامدند (کافی، ج ۵، ص ۵۶، ح ۱).



قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ؛

هر کس از شما منکری ببیند باید با دست و اگر نتوانست با زبان و اگر نتوانست با قلبش آن را تغییر دهد، که پایین‌ترین درجه ایمان همین (تغییر قلبی) است (نهج‌الفصاحه، ح ۳۰۱۰).

قال الباقر عليه السلام:

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ، وَمِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ، وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ، وَتَحِلُّ الْمَكَاسِبُ، وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ، وَتَعْمُرُ الْأَرْضُ، وَيُنْصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ، وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ؛

امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه بزرگی است که دیگر فرائض به واسطه آن بر پا می‌شود، راه‌ها امن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی‌گردد، زمین آباد می‌شود و (بدون ظلم) حق از دشمنان گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد (کافی، ج ۵، ص ۵۶، ح ۱).

قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِهِ؛

هر کس امر به معروف و نهی از منکر نماید، جانشین خدا در زمین و جانشین رسول اوست (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۹، ح ۱۳۸۱۷).

امام علی علیه السلام:

وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَفْتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ؛

همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره‌ای است در دریای عمیق (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۴).

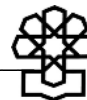
پیامبر اکرم (ص):

نَصْرُ الْمَظْلُومِ وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ جِهَادٌ؛

یاری رساندن به ستم‌دیده و امر به معروف و نهی از منکر جهاد در راه خداست (جامع‌الأحادیث قمی، ص ۱۲۵).<sup>۱</sup>

۱. برگرفته از سایت جامع فرهنگی مذهبی شهید آوینی

<http://www.aviny.com/hadis-mozooee/siasi/amre-be-maarooof.aspx>



## بیوست ۲

### هیئت امر به معروف و نهی از منکر عربستان سعودی

هیئت امر به معروف و نهی از منکر یک ستاد حکومتی رسمی سعودی است که وظیفه‌اش پیاده کردن «نظام حسب» برگرفته از شریعت اسلامی است که همچنین از سوی برخی رسانه‌های همگانی به «پلیس دینی» معروف است. تعداد افراد این ستاد در عربستان سعودی به ۴۰۰۰ نفر می‌رسد و در سال ۱۹۶۰ میلادی تأسیس شده است.

### زمینه سیاسی

عقد پیمانی بین محمدابن عبدالوهاب و آل سعود در سه قرن پیش، باعث شد تقسیم کاری سنتی در عربستان شکل بگیرد که تا امروز ادامه دارد؛ نهادهای رسمی دینی، مانند «اللجنة الدائمة للفتوی» که مرکز رسمی اجتهاد و فتوا دادن عربستان است، مراکز آموزش دینی مانند دانشگاه اسلامی شهر مدینه، «ستاد امر به معروف و نهی از منکر» که نهادی قدرتمند در عربستان است، وزارت اوقاف و دیگر مراکز دینی در دست خاندان آل‌الشیخ به‌عنوان نماد وهابیت سنتی که ارتباط نسبی با شیخ محمدبن عبدالوهاب دارند و به مبانی فکری او وفادار مانده‌اند و در حقیقت نسل و فرزندان شیخ هستند، قرار گرفته است. نهادهای سیاسی، اقتصادی و نظامی هم در دست خاندان آل سعود است. این دو خاندان در دوران شکل‌گیری نظام سیاسی عربستان و دوران تثبیت قدرت با هم تعامل مثبت و نزدیکی داشتند.

مؤلفه اصلی وهابیان سنتی حاکم بر امور امر به معروف و نهی از منکر، نگاه تنگ‌نظرانه آنها به مسائل است. فلسفه سیاسی آنها بر ضدقیام مسلحانه علیه حکومت است و آن را حرام اعلام کرده و برخلاف شرع می‌دانند. این نطه تاکنون نتوانسته ارتباط موفقی با جامعه و مردم و خاصه جوانان عربستان پیدا کند. ادبیات حاکم بر آن ادبیات سنتی است و ظرفیت تعامل و گفتگو در میانشان پایین است.

### زمینه فقهی

در اینجا یک اختلاف دینی برحسب مذهب سنی در آنچه فقه «حسب» می‌نامند وجود دارد. نظرات علما در این باب به سه دسته تقسیم می‌شود:

**دسته اول:** امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است و دلیل‌شان بر آن آیه: (ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون) (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴) است که در اینجا «من» را دلالت بر شمول همه امت می‌دانند و نیز به حدیث اُبی سعید الخدری استدلال می‌کنند که: سمعت رسول الله صلی الله علیه و سلم یقول: من رأى منکم منکراً فلیغیره



بیده، فإن لم يستطع فبلسانه، فإن لم يستطع فبقلمه و ذلك أضعف الإيمان. وهذا الحديث يدل على عموم وجوب الاحتساب على كل أحد لا يخرج منه أي مسلم.

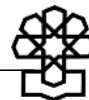
از رسول خدا (ص) شنیدیم که می‌گوید هر یک از شما که منکری دید باید آن را با دستش اصلاح کند، اگر نتوانست با زبانش آن را اصلاح کند و اگر نتوانست با قلبش و آن ضعیف‌ترین درجه ایمان است و این حدیث بدون استثنا دلالت بر عموم وجوب نظارت بر همه دارد.

**دسته دوم:** اکثر علمای اهل سنت این نظر دوم را پذیرفته‌اند. براساس این نگاه، امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است (اگر عده‌ای بر آن قیام کردند از دوش بقیه ساقط می‌شود) و آنها نیز به همان آیه استدلال می‌کنند که: (ولتكن منكم امة يدعون إلى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون) (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴) و «من» را در اینجا قیدی بر این می‌دانند که این واجب مخصوص جزئی از امت است و نه همه.

**دسته سوم:** طرفداران این دسته بین دو دسته قبلی جمع می‌کنند و معتقدند که امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است و اگر متفق باشیم و انکار منکرات به هر شکلی ممکن است و انکار قلبی جزئی از آن است پس هرکس برحسب قدرت و توانایی‌اش همان‌طور که در حدیث آمده و فرقه اول به آن استشهاد می‌کنند می‌تواند قیام کند. همچنین می‌توان رأی دسته دوم را هم قبول کرد. اگر در نظر بگیریم که عده‌ای از مردم هستند که قادر بر امر به معروف و نهی از منکر عملی و زبانی نیستند، اما می‌توانند قلباً منکرات را انکار کنند. کما اینکه نمی‌توان مصالح و منافع مسلمین را روی زمین گذاشت و همه مردم را برای امر به معروف و نهی از منکر بسیج کرد.

### مأموریت

ستاد امر به معروف و نهی از منکر تصریح دارد که مأموریتش پیاده کردن شریعت اسلام در بازارهای عمومی و اماکن عمومی و غیره، جلوگیری از روی دادن منکرات، بی‌احترامی به دین اسلام، بازداشتن از جادوگری و شعبده‌بازی، فریب مردم و خوردن اموالشان است. در گزارشی از روزنامه‌ای سعودی درباره مأموریت‌های میدانی و عملی اعضای ستاد چنین آمده: حضور اعضا در اماکن تجمعات عمومی مردم و تشویق آنها به شتاب در پاسخ به ندای الهی، شرکت در نماز جماعت در مسجد و اطمینان از بسته بودن مغازه‌ها و واداشتن مردم به ترک بازار و توقف خرید و فروش هنگام برپایی نماز و امر کردن و دعوت مردم با روش حکیمانه و نیکو به سوی خیر و پاسداشت اخلاق و ارزش‌های اسلامی و آداب عمومی.

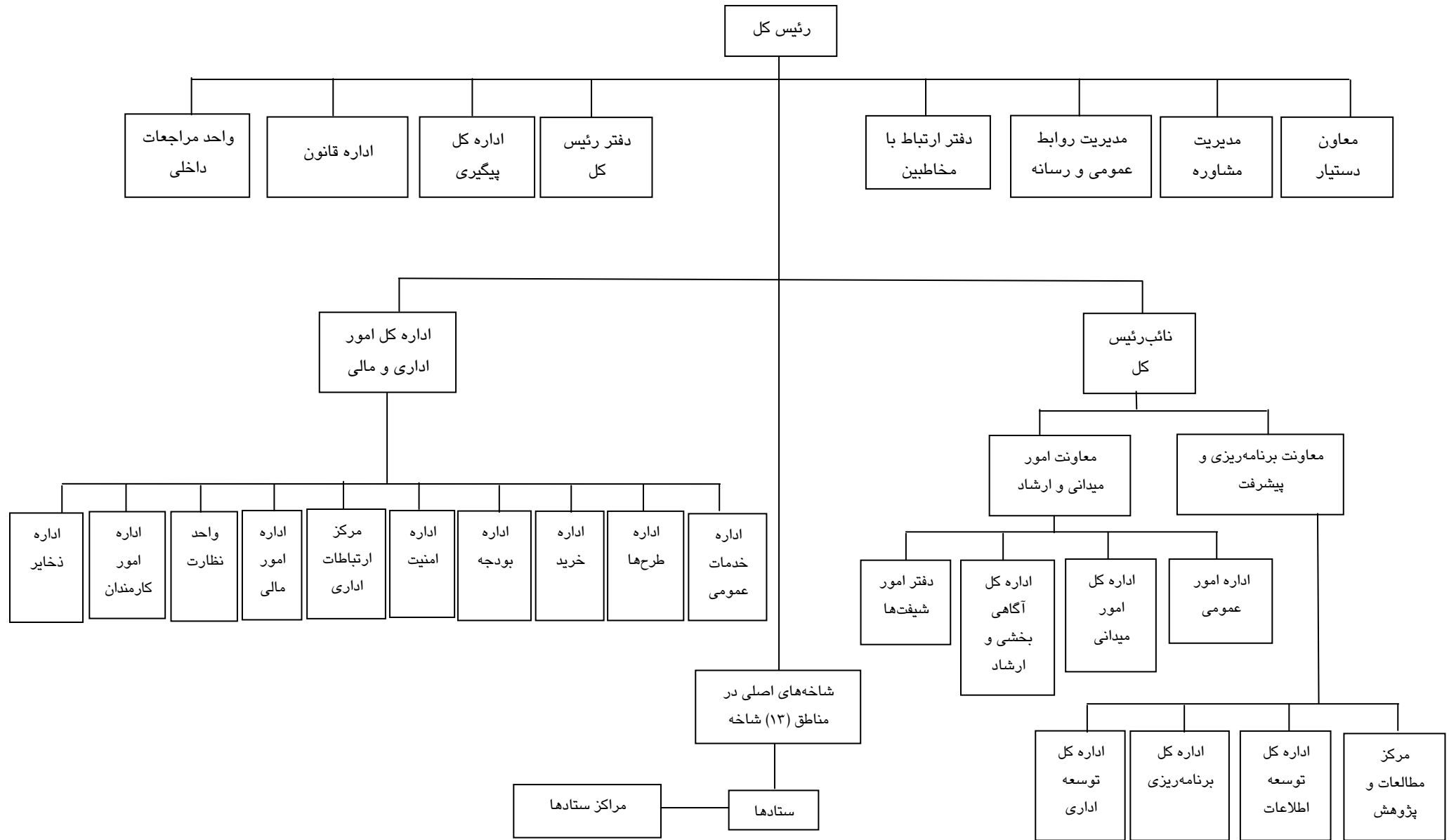
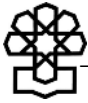


## انتقادات

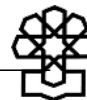
به این ستاد انتقاد شده که حقوق بشر را زیر پا گذاشته است. به خاطر همین انتقادات بود که رئیس سابق این ستاد شیخ ابراهیم الغیث در یک کنفرانس مطبوعاتی که ۱۰ ژانویه ۲۰۰۷ در ریاض برگزار شد، اعلام کرد که وی در این ستاد یک اداره قانونی به نام اداره «النظم و التعليمات» ایجاد کرده تا مسئول نظارت بر اعضای ستاد و همچنین دارای اختیار بازخواست اعضا و مسئولین متخلف باشد. این تصمیم در پی بالا گرفتن انتقادات از این ستاد به سبب برخی حوادث اخیر از سوی برخی از اعضای ستاد گرفته شد.

همچنین از انتقادات دیگری که به این ستاد وارد شده عدم برقراری ارتباط مناسب با بدنه جامعه و جوانان بوده است تا جایی که یکبار «شیخ بندر مطیری» رئیس مرکز عالی هیئت امر به معروف و نهی از منکر با حضور در برنامه‌ای تلویزیونی، اعتراف کرد که این هیئت اشتباهات بسیار زیاد به‌ویژه در تعامل با مردم مرتکب شده است.

اشتباهات این ستاد علاوه بر اعتراضات مردمی با انتقادات افراد بلندپایه و نهادهای حکومتی هم مواجه شده است. از جمله خانم شاهزاده «بسمه بنت سعود بن عبدالعزيز» با انتشار مقاله‌ای هیئت امر به معروف و نهی از منکر عربستان سعودی را به دلیل رفتارشان با زنان و دختران سعودی، به شدت مورد حمله و انتقاد قرار داد و اعضای این هیئت را افراد «وحشی» معرفی کرد.







## منابع و مأخذ

۱. بابایی، احسان. الزامات حقوقی و قانونی اجرایی شدن اصل هشتم قانون اساسی، مرکز پژوهش‌های مجلس، بهار ۱۳۸۹.
۲. آیت‌الله نوری همدانی، حسین. امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.
۳. راسخ، محمد. ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، فصلنامه پژوهشی مجلس و پژوهش، ش ۵۹، بهار ۱۳۸۴.
۴. سایت جامع مذهبی فرهنگی شهید آوینی  
[www.aviny.com](http://www.aviny.com)
۵. سایت معاونت تربیت و آموزشی بسیجیان  
[www.marofyarau.com](http://www.marofyarau.com)
۶. نرم‌افزار جامع سخنان مقام معظم رهبری، حدیث ولایت، مؤسسه فرهنگی پژوهشی انقلاب اسلامی، حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.
۷. نرم‌افزار پارسی قرآن.





شماره مسلسل: ۱۰۴۹۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: راهبردهای کلی اقامه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی  
(ویرایش دوم)

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه فرهنگ عمومی، ارشاد و تبلیغ اسلامی)

تهیه و تدوین: سیدعلی کشفی

ناظر علمی: سینا کلهر

مناقضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. امر به معروف

۲. نهی از منکر

۳. حکومت

۴. قانون

۵. راهبرد

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۱۰/۱۵